

نگاهی به بخش اساطیری شاهنامه فردوسی

از دریچه آئین کشورداری

پژوهش و نگارش:

قباد میرزانی

پانیزد

۱۳۸۷

سرشناسه	: میزانی . قباد
عنوان فرارنگاری	: شاهنامه . برگزیده . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به بخش اساطیری شاهنامه از دریچه آئین کشورداری / پژوهش و نگارش قباد میزانی
مشخصات نشر	: پائیز ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۳۲۴ صفحه ۲۰۰۰۰ ریال
شابک	: 978-964-7105-54-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: فردوس ابرلقلم ۳۲۹-۳۱۶ ق -- شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۲ ق -- تاریخ و نقد
شکله افزوده	: فردوس ابرلقلم ۳۱۹-۳۱۶ ق -- شاهنامه سرگزیده . شرح
ردیفی کنگره	: ۱۳۸۶ م ۸۷۳ PIR۶۱۹۵
ردیفی دیوبی	: ۸۱۱۶۲۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۶۰۸۸۰



نشر پانتیز

نگاهی به بخش اساطیری شاهنامه فردوسی از دریچه آئین کشورداری قباد میزانی

نویت چاپ اول ۱۳۸۷

شمارگان ۱۱۰۰

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهره صیامی

طراحی جلد و گرافیک: ترانه میلادی

آماده سازی و ناظر فنی چاپ: سامان خسروی

لیتوگرافی: باختر چاپ: دالاهو صحافی: یکتا

تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان نش خیابان وحید نظری پلاک ۱۰۰

تلفاکس ۶۶۴۱۵۹۸۲

info@nashrepaniz.ir

شابک: ۵-۵۴-۷۱۰۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

ره آورد

بخش افغانه ای سرگذشت بانگان ما خود دینایی دیگر است که نبوغ بی بدیل فردوسی، روشنی خیره کننده ای بر آن بگشاید. در لکن دینا، هر چه از آن چنان طبعی و زنده و مانوس است، که هر خواننده ایرانی جای خالی خود را در آن به چشم می بیند و بی اختیار به سوی آن کشیده می شود. ما نیز - من و همسر - دست در دست هم، به لکن دینا سفر کردیم، چندگاهی با ساکنان آن زمستیم و با آنان الفتی بیش از انسان های هم عصر خود یافتیم. به نیکان مهر دوزیدیم و بر ابر عثمان کینه تو خستیم. با مظلومان گریستیم و بر ظالمان خروشیدیم. بر شهیدان راه حق و پاسداران کرامت انسانی، آترین گفتیم و بر خون پاک آنان، که سرتاسر افغانه و تاریخ را گلگون کرده است، سر فرود آوردیم.

در لکن سفر، با پای زایل به میعادگاه رودابه رفتیم و از عشق محبتی آن دو دل داده میراب شدیم، از صخره کلاه آشکر، بر ضحاک مادرش نفره کشیدیم و محضرهای درد غصین حسد دوران دادا لکد کوب کردیم، با آردمان پاک و کودکانه سحراب حسدل شدیم و همراه دستم دستان، هسنگای که با خسفر نیرنگ، نه جلگاه فرزند، که قلب خود را می شکافد نالیدیم، به قربانگاه سیادش رفتیم و بر سر بریده لکن انسان آسمانی افسوس خوردیم، شاهد از خود گذشتگی دستم و زایل، هسنگای که سیرغ آنان را بر سر درواهی پذیرش بندگی، یا عذاب جادویی قرار می دهد شدیم و صدای ناله های دردمندان دستم را به درگاه یزدان، پیش از درآوردن تیر کز بر چشمان شاهزاده اسفندیار شنیدیم، هم صدا با حکیم توس، شایان دادگر را ستودیم و بر حاکمان پیداکر نفرین فرستادیم و در نهایت دریا فستیم که داعی به جز پذیرش قیامت زمان پیش پلمان نیست.

اینک ره آورد مشترکمان را از لکن سفر، به تو تقدیم می کنم، ای نازنین همسر همه عمرم!

فهرست

پیشگفتار..... ۹

دوره اول

از آغاز پادشاهی کیومرث تا پایان پادشاهی تهمورث به مدت ۱۰۰ سال

- ۱- پادشاهی کیومرث تا تهمورث ۱۳
- ۲- جمع‌بندی و تحلیل دوره اول ۱۹

دوره دوم

پادشاهی جمشید به مدت ۷۰۰ سال

- ۱- پادشاهی جمشید ۲۳
- ۲- جمع‌بندی و تحلیل دوره دوم ۳۲

دوره سوم

از آغاز پادشاهی ضحاک تا پایان پادشاهی فریدون به مدت ۱۵۰۰ سال

- ۱- پادشاهی ضحاک ۳۷
- ۲- پادشاهی فریدون ۶۱
- ۳- جمع‌بندی و تحلیل دوره سوم ۷۱

دوره چهارم

از آغاز پادشاهی منوچهر تا پایان پادشاهی کیخسرو به مدت ۴۵۱ سال

- مقدمه ۷۹
- ۱- پادشاهی منوچهر ۸۱
- ۱-۱- تولد و پرورش دستان سام ۸۴
- ۲- پادشاهی نودر ۱۰۶
- ۳- پادشاهی زوطهماسب ۱۱۴
- ۴- پادشاهی کیتباد ۱۱۵
- ۵- پادشاهی کیکاووس ۱۱۸
- ۱-۵- لشکرکشی کاووس به مازندران ۱۲۰
- ۲-۵- لشکرکشی کاووس به هاماوران و پیامدهای آن ۱۳۰
- ۳-۵- کاووس و تسخیر آسمان ۱۳۴

۱۳۸	۴-۵- داستان رستم و سهراب
۱۳۸	مقدمه
۱۳۹	چکیده داستان
۱۴۶	نقش شخصیت‌های داستان
۱۶۸	پایان داستان
۱۶۹	۵-۵- داستان سیاوش
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	چکیده داستان
۱۸۶	نقش شخصیت‌های داستان
۲۱۷	جمع‌بندی داستان از نظر نظام حکومتی ایران
۲۱۸	۶- پادشاهی کیخسرو
۲۱۹	۱-۶- کیخسرو از تولد تا آمدن به ایران
۲۲۷	۲-۶- کیخسرو از ورود به ایران تا نشستن بر تخت شاهی
۲۳۹	۳-۶- کیخسرو از آغاز پادشاهی تا پایان آن
۲۵۸	جمع‌بندی دوره چهارم
۲۵۹	مرحله اول: زایش و نوجوانی
۲۵۹	مرحله دوم: نوجوانی و بالندگی
۲۶۰	مرحله سوم: جا افتادگی و باروری
۲۶۱	مرحله چهارم: فرسودگی و مرگ
	دوره پنجم

از آغاز پادشاهی لهراسب تا پایان پادشاهی دارا

۲۶۳	۱- پادشاهی لهراسب
۲۶۵	۱-۱- کوشش برای حل مسألت‌آمیز اختلاف
۲۷۰	۲-۱- ماجراهای گشناسب در روم تا بازگشت به ایران
۲۷۹	۲- گشناسب از آغاز تا پایان پادشاهی
۲۹۷	۲-۱- داستان رستم و اسفندیار
۲۹۷	ویژگی‌های داستان
۲۹۷	چکیده داستان

۲-۲- تحلیل بر داستان رستم و اسفندیار و نقش بازیگران آن	۳۳۵
۳- سرانجام دودمان نریمان و پایان دوران پهلوانی	۳۳۰
پایان سخن	۳۳۴
الف- مسیر حرکت آیین کشورداری	۳۳۵
ب- نقش پهلوانان و مردم در کشورداری	۳۳۸
ج- تحول مبانی فرهنگی حاکم بر روابط اجتماعی	۳۳۹
د- دست‌آورد پژوهش	۳۴۰
۱- ترتیب داستان‌ها و رویدادها	۳۴۱
۲- جایگاه «نیاز زمان» و «تقدیر»	۳۴۲
۳- فردوسی و آئین کشورداری	۳۴۳

پیش گفتار

داستانهای اساطیری تاریخ نیستند. می توان گفت آنها بازتابی از زندگی و آرزوهای مردمان و اقوام باستانی هستند که در طول زمان مانند پیدایش استالاکتیت ها شکل گرفته و بدست ما رسیده اند. شاید به همین جهت است که می بینیم پیروزی پهلوانان پاسدار عدل و داد بر بیدادگران و بی مرگی بعضی قهرمانان- که خواست همه اقوام بوده- در اسطوره های آنها بطور مشابهی منعکس گردیده است.

بخش اساطیری شاهنامه فردوسی نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد.

بنا به نظر اکثر پژوهندگان، داستانهای بخش اساطیری شاهنامه قسمتی از داستانهای کهن ایرانی است که بدست توانای حکیم توس، براساس مدارک مکتوب یا روایت های شفاهی، گزینش و پالوده شده اند. زمان و مکان داستان ها و نیرو و توانایی قهرمانان با مقیاس های امروزی، غیر واقعی می نماید، ولی روح داستان و ارتباطات درونی آن ریشه در واقعیت دارد و قواعد کلی توسعه و علت و معلول بر آنها حاکم است و دقیقاً به همین دلیل است که پادشاهی ۷۰۰ ساله جمشید و هزارساله ضحاک، باردار شدن خواهران جمشید در سنی بیش از ۱۷۰۰ سال، پیمودن فاصله بین ایران و چین در یک هفته بوسیله اسب، کشته شدن فیل با یک ضربه مشت رستم و... غیر واقعی جلوه نمی کند و طبیعی می نماید. از این مسائل که بگذریم، به نظر می رسد روابط اجتماعی، و بویژه آئین کشورداری و تقابل بین نیروهای اجتماعی و به تبع آن نحوه برخورد بین شاهان و پهلوانان، از یک قانون مندی کلی پیروی می کند.

بخش اساطیری شاهنامه، از یک سو عرصه نمایش باشکوه ترین داستانهای دراماتیک و تجلی نبوغ بی همتای حکیم ابوالقاسم فردوسی و حکمت اوست و از سوی دیگر نشاندهنده مسیر حرکت اقوام ایرانی از دوران زندگی ساده و کوه نشینی اولیه، تا تشکیل امپراطوری عظیم دوران کاووس و کیخسرو و گشتاسب با روابط اجتماعی و اداری پیچیده می باشد. در تشریح و توضیح جنبه دراماتیک داستان ها و زندگی پهلوانان،

بررسی‌ها و مطالعات گسترده‌ای بعمل آمده و کتابها و رساله‌ها نگاشته شده، ولی به نظر می‌رسد به بعد دوم این اثر سترگ توجه کافی نشده و به این پرسش که «سمت و سوی حرکت جامعه در داستانهای اساطیری شاهنامه چگونه است و تا چه میزان قانون‌مند و بر مسیر کلی تاریخ واقعی منطبق می‌باشد»، پاسخی داده نشده است.

در این نوشته برآنیم که با هدف دست‌یابی به پاسخ این پرسش، - هر چند ناقص و نارسا- حوادث و داستانهای شاهنامه را از این دیدگاه بشکافیم، و تا حد توان، ارتباط درونی و ساختاری (ارگانیک) آنها را با یکدیگر بررسی کنیم و به بنیم:

الف- مسیر حرکت آئین‌شورداری در دوران اساطیری شاهنامه، از نقطه آغاز تا پایان، از چه گردنه‌ها و فراز و نشیب‌ها عبور می‌کند؟

ب- نقش پهلوانان و شاهان و مردم در این حرکت چیست؟

ج- مبانی فرهنگی و اخلاقی حاکم بر جامعه، در اثر تغییر شرایط اقتصادی- اجتماعی، چگونه تغییر می‌کند؟

د- آیا بر اساس آنچه حکیم توس نقل می‌کند، همسوئی و انطباقی بین کیفیت حرکت تاریخ واقعی و حرکت اساطیری شاهنامه وجود دارد یا خیر؟

واضح است که در داستانهای اساطیری، نمی‌توان مانند تاریخ واقعی، برای پرسش‌های فوق توقع پاسخ صریح و روشن داشت ولی شاید بتوان از خلال داستان به نتایج کلی دست پیدا کرد.

شیوه پژوهش و نگارش

می‌دانیم که بخش عمده‌ای از داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه، در متون تاریخی و دینی، به اشکال مختلف مطرح و منعکس شده است. نظر به اینکه بررسی و پرداختن به همه متون مزبور خارج از مجال این نوشته و صد البته خارج از بضاعت و توان نویسنده آن می‌باشد، و از طرف دیگر، کمکی هم به یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح‌ه، که به متن شاهنامه اختصاص داده شده است نمی‌کند، لذا در این بررسی از آن صرف‌نظر شده و شیوه کار بر اصول زیر نهاده شده است:

۱- صرفاً متن شاهنامه فردوسی و آنچه بر زبان حکیم توس جاری شده، ملاک بررسی قرار گرفته است. نسخه‌ای که مورد استفاده نویسنده بوده، شاهنامه شش جلدی به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی چاپ ۱۳۳۵ می‌باشد.

۲- در تحلیل و تفسیر حوادث و روایات قهرمانان و پهلوانان، از تعبیر و تفاسیر پیچیده خودداری شده و ساده‌ترین گزینه یعنی «کنش و واکنش» و «علت و معلول»، که بیشتر با ویژگی‌های جوامع کهن و زندگی ساده آنان تطابق دارد، پذیرفته شده است.

۳- با اینکه در بخش اساطیری شاهنامه، ترکیب و پردازش داستان‌ها آنچنان طبیعی و استادانه در هم تنیده شده است که، در یک بررسی کلی شاهنامه حذف هر قسمت جزئی و کوچکی از آن، به کیفیت پژوهش لطمه می‌زند، ولی در این بررسی که با دامنه محدودی انجام می‌گیرد و همچنین به منظور رعایت اختصار، ضمن کوشش در حفظ پیوستگی کلام، در هر بخش، شرح حوادث تا آنجا که با موضوع این بررسی مرتبط و مفید بوده نقل و شواهد مربوطه نیز از کلام فردوسی آورده شده و از طرح سایر قسمت‌ها خودداری گردیده است.

۴- داستانهای تراژیک «رستم و سهراب»- «سیاوش» و «رستم و اسفندیار» بطور مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، متنها نه از نقطه نظر ادبی و دراماتیک، بلکه از نظر روابط اجتماعی و تأثیر آنان بر نظام کشورداری. زیرا در این داستانها، بازیگران در عین حال که بعنوان یک انسان واقعی، از خوی و سرشت نیک و بد انسانی برخوردارند، از نظر اجتماعی نیز، هرکدام جایگاه خاصی در نظام حکومتی دارند و رفتار آنان بخودی خود در روند حاکمیت تأثیر می‌گذارد و در حقیقت داستان بازگو کننده یک حادثه یا اتفاق حکومتی است و نتیجه آن بطور مستقیم یا غیرمستقیم در تحول نظام و سمت و سوی آن تحول تأثیر گذار می‌باشد. به دیگر سخن از نقطه نظر این کتاب، کشته شدن سهراب بدست رستم و سیاوش بدست افراسیاب و اسفندیار بدست رستم، به غیر از بار تراژیک و دراماتیکی که دارد، تأثیر معنی داری نیز در نظام حکومتی بر جای گذاشته است، که اگر بازیگران آن، عضو موثری از هیئت حاکمه ایران یا توران

نمی‌بودند- مانند داستان بیژن و منیژه- طبعاً چنین اثری هم نداشتند.

۵- فردوسی عبارتهای «نیاز زمان»، «خواست زمان» و «نیاز جهان» را در داستانهای شاهنامه و در موارد متعدد بکار برده، که غالباً با «ندای سروش» و «تقدیر» هم‌سو و هم‌راستا می‌باشند و چنین به نظر می‌رسد که تقدیر، جز خواست زمان و ندای سروش، جز برآوردن نیاز زمان، نیست. در این بررسی نیز تقدیر و امدادهای غیبی، بعنوان عاملی برای پیاده شدن نیاز جامعه و جبر زمان تعبیر شده و در سیر تحولات جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

۶- به اقتضای هدفی که در این بررسی پیگیری می‌شود، دوران اساطیری شاهنامه، که بر اساس مدت زمان پادشاهی شاهان، جمعاً: ۳۱۴۸ سال طول می‌کشد، به پنج دوره زیر تقسیم شده و نظام کشورداری در هر دوره، بطور جداگانه بررسی شده است.

دوره اول- از آغاز پادشاهی کیومرث تا پایان پادشاهی تهمورث به مدت ۱۰۰ سال.

دوره دوم- از آغاز تا پایان پادشاهی جمشید به مدت ۷۰۰ سال.

دوره سوم- از آغاز پادشاهی ضحاک تا پایان پادشاهی فریدون به مدت ۱۵۰۰ سال.

دوره چهارم- از آغاز پادشاهی منوچهر تا پایان پادشاهی کیخسرو به مدت ۴۵۱ سال.

دوره پنجم- از آغاز پادشاهی لهراسب تا پایان پادشاهی دارا به مدت ۳۹۷ سال.